

بازتعریف مفهوم شهادت؛ از میدان نبرد تا جنگ اقتصادی و زیرساختی

فرج الله عباسی*

چکیده

تحول جنگ‌های معاصر از الگوی متقارن به نامتقارن، با گسترش عرصه نبرد به حوزه‌های زیرساختی، شهری و سایبری، ضرورت بازنگری در مفهوم فقهی شهادت را آشکار ساخته است. این پژوهش با هدف تبیین معیارهای شرعی شهادت در شرایط جدید جنگی، به روش تحلیلی-اجتهادی و با بهره‌گیری از آیات قرآن، روایات و آرای فقیهان امامیه انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مفهوم میدان معرکه تابع ماهیت و ابزارهای جنگ در هر عصر است و محدود به نبرد رودررو نیست. بر این اساس، با استناد به عموم آیات فی سبیل‌الله، اطلاق روایات مربوط به دفاع از جان، مال و ناموس و نیز قاعده «ما لا یتیم الواجب إلا به فهو الواجب»، دفاع از زیرساخت‌های حیاتی و استمرار خدمت در مراکز ضروری در شرایط جنگی، در صورت احراز نیت الهی، می‌تواند مصداق جهاد و شهادت باشد. همچنین ماندن اضطراری در منازل با قصد حفظ خانواده و مقاومت در برابر دشمن، در صورت کشته شدن، قابلیت انطباق با عنوان شهادت را دارد. نتیجه پژوهش آن است که در جنگ‌های نامتقارن، معیار شهادت از مکان نبرد به ماهیت دفاع و هدف الهی آن انتقال یافته و هر عرصه‌ای که بقای جامعه اسلامی به آن وابسته باشد، می‌تواند مصداق میدان معرکه تلقی شود.

واژگان کلیدی: شهادت، جنگ نامتقارن، میدان معرکه، دفاع غیرمسلحانه.

*. کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن، f.abbasi1350@gmail.com

مقدمه

شهادت در فرهنگ اسلامی جایگاه محوری دارد؛ قرآن کشته شدگان در راه خدا را زنده نزد پروردگار معرفی می‌کند (آل عمران، ۱۶۹) و سنت نبوی نیز مصادیق آن را به دفاع از مال، جان و ناموس گسترش داده است. تحول جنگ‌ها در قرن اخیر - مانند جنگ‌های نامتقارن، شهری و سایبری - پرسش‌هایی نو درباره صدق شهادت بر برخی کشته شدگان ایجاد کرده است. در جنگ‌های کلاسیک، شهید کسی بود که در میدان رویارویی مستقیم کشته می‌شد، اما امروز بهاران زیرساخت‌ها، بیمارستان‌ها و مناطق مسکونی، مرز جبهه و پشت جبهه را از میان برده است. حال این پرسش مطرح است که آیا کارگر بهاران شده در کارخانه برق، پزشک حاضر در بیمارستان یا خانواده‌ای در منزل خود، مشمول وعده‌های قرآنی شهادت هستند؟

این مسئله از دو جهت اهمیت دارد:

۱. تکلیف شرعی ماندن در شرایط خطر (آیا جهاد دفاعی واجب است یا نه؟)؛
 ۲. احکام شرعی شهادت (مانند دفن بدون غسل و با لباس رزم).
- مقاله پیش‌رو با روش تحلیلی - اجتهادی به این موضوع می‌پردازد و نوآوری آن ارائه ضوابطی برای تشخیص شهادت در کشته شدگان غیرمسلح، براساس مقاصد شریعت است.

۱. مفهوم‌شناسی شهادت

۱.۱. معنای لغوی

شهید و شهادت از ریشه «شَهِدَ»، گاهی به عسلی گفته می‌شود که هنوز از موم آن جدا نشده باشد. گاهی هم به معنای حضور، دانایی و گواهی دادن می‌آید (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۲۱؛ مدنی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۱۲)؛ به شخص گواهی دهنده بر مطلبی، «شاهد» گفته می‌شود؛ چون در محل اتفاق حضور داشته است (ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۶۵۳؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۹۷). راغب اصفهانی، شهادت را به معنای گواه بودن با اندیشه و شایسته‌تر دانسته است؛ برای همین به سخن گفتن که از روی آگاهی و بصیرت حاصل شده است، شهادت گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۵۱).

به کسی که در راه خدا کشته شود، شهید می‌گویند؛ چون خدا و فرشتگان، بهشتی بودن



او را گواهی می‌دهند؛ در قیامت در کنار رسول خدا ﷺ شاهد بر امت خواهند بود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۱؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۴۸؛ مدنی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۱۲). شهید زنده و حاضر است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۷۵).

۲/۱. تعریف اصطلاحی

شهید کسی است که برای برتر بودن کلمه خدا جنگیده باشد، یا این‌که بدون جنگ و به ناحق کشته شده باشد. کسی که ستمگر، یا جنگ‌آور، یا راهزن او را بکشد. کسی که برای دفاع از جان، مال، یا در شهر و روستایی به ناحق کشته شود، شهید است. (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۰۳). برخی گفته‌اند شهید کسی است که در جهاد همراه با معصوم یا نایب خاص ایشان کشته شود (سبزواری، ۱۴۲۵ق، ص ۵۷۶) و ملحق به او [در احکام شهید] کسی است که در حفظ و حراست از کیان اسلام کشته شود (عاملی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۷).

شهادت مرگی است که انسان، فقط به‌خاطر هدفی مقدس و به تعبیر قرآن فی سبیل الله از آن استقبال کند (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۸۴؛ عبدالمنعم، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۶). صاحب جواهر بر این باور است که مشهور این است که منظور از «شهید» کسی است که در جنگ همراه پیامبر یا امام معصوم (علیه السلام) یا نایب خاص امام، یا در جهاد مشروع کشته شده باشد، حتی اگر بدون حضور آنان باشد؛ مانند جایی که دشمن ناگهان به مسلمانان یورش آورد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۸۶). این یعنی در دفاع از دین و وطن حتی اذن معصوم یا جانشین وی نیز لازم نیست و شهید اعم است از این‌که در رکاب معصوم، یا نایب خاصش باشد یا این‌که بدون اذن، برای دفاع از دین و در راه خدا کشته شود (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۷۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۴۱۵).

۲. شهادت در قرآن و روایات

۱/۲. شهادت در قرآن

«شهید» (بقره، ۱۴۳ و ۲۸۲؛ آل عمران، ۹۸؛ نساء، ۳۳ و ۴۱ و...)، «شهدا» (بقره، ۲۳، ۱۳۳ و ۲۸۲؛ آل عمران، ۹۹ و ۱۴۰؛ نساء، ۶۹ و...) و «شهادت» (بقره، ۱۴۰ و ۲۸۳؛ مائده، ۱۰۶-۱۰۸؛ انعام، ۱۹ و...) و دیگر مشتقات آن در قرآن کریم به‌معنای گواه بودن، مشاهده‌کننده و بیننده حقیقتی آمده است؛ این واژه در هیچ‌کدام از این آیات به‌معنای شهید اصطلاحی نیست.

در قرآن از شهادت تعبیر به «کشته در راه خدا» شده است (بقره، ۱۵۴؛ آل عمران، ۱۵۷، ۱۶۹؛ نساء، ۷۴، محمد، ۴). بهشت جاودان با نعمت‌های الهی (محمد، آیه ۴-۶) حیات نزد پرودگار (بقره، ۱۵۴؛ آل عمران، ۱۶۹) و معامله با خدا (آل عمران، ۱۹۵) از جمله امتیازات کشته‌شدگان در راه خداست (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۲۹).

با این نگاه لفظ شهید در قرآن به معنای شهادت اصطلاحی آن نیامده است.

۲/۲. شهادت در روایات

رسول خدا ﷺ شهادت را بالاترین نیکی معرفی کرده است: «فَوْقَ كُلِّ بِرٍّ بِرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بِرٌّ؛ بالاتر از نیکی، نیکی دیگری هست، تا این‌که در راه خدا کشته شود؛ وقتی در راه خدا کشته شد، بالاتر از آن نیکی‌ای وجود ندارد» (ابن‌حیون مغربی، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۱۸۶). امام صادق (علیه السلام) شهادت در راه خدا را با شرافت‌ترین مرگ دانسته است: «وَأَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۰۲).

شهادت در روایات به عنوان ملاک و مقام بالا شمرده شده و اجر کارهای بزرگ، مانند اجر شهید معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۷۵؛ همان، ج ۴، ص ۱۵). طبق روایات اسلامی، شهدای کشته شده در میدان جنگ، با همان لباس خونین خود دفن شده و غسل داده نمی‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۱۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۱).

۳. اقسام شهادت

۱/۳. شهید معرکه

معرکه همان میدان جنگ است (یا قوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۵، ص ۱۵۵؛ مروج، ۱۳۷۹، ص ۴۳۶؛ خوانساری، بی‌تا، ص ۹۸) و به فردی که در میدان جنگ کشته شود، قتل‌المعرکه گفته می‌شود (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۶۰؛ ابن‌زهره حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۲). این مفهوم با پیشرفت ابزارهای جنگی و برد هزاران کیلومتری موشک‌ها، گستره پیدا کرده، همه کشور را مصداق میدان جنگ قرار داده و به هرکسی که با ستم دشمنان خدا کشته شود، اطلاق می‌گردد (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۷، ص ۲۰۷). شهید معرکه احکام خاص دارد؛ از جمله مس



بدن شهید موجب واجب شدن غسل مس میت نمی‌شود (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۰۷؛ جوادی آملی، ج ۴، ص ۵۰). حنوط برای شهید واجب نیست (خویی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۸۲)، غسل داده نمی‌شود، کفن نمی‌شود و با لباس خونینش دفن می‌گردد (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۱۷؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۹۹). این احکام شامل کسانی است که با اذن معصوم یا نائب خاص او (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۸۲) با اذن نایب عام (فقیه جامع‌الشرایط) یا حتی بدون اذن او، برای دفاع در برابر هجوم دشمنان اسلام کشته می‌شوند (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۵۴۵). این فتوا برگرفته از روایات اسلامی است که کشته‌شدگان در این راه را که برای رضای خدا باشد، شهید نامیده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۱۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۱).

۲/۳. کشته شده در راه مال، جان و ناموس

روایات اسلامی در کنار کشته شدن در میدان جنگ، کشته‌شدگان در راه دفاع از مال، جان و ناموس خود و دیگران را شهید دانسته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۵۷ و ۱۶۷؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۸۰). مجموعه این روایات بیانگر این است که اگر کسی در راه دفاع از مال، حتی اگر برای خودش نیست، اما محافظت از او به‌عهده وی گذاشته شده است، کشته شود، شهید محسوب می‌شود و کشته شدن در دفاع از جان، مال، ناموس دیگران و دفاع از وطن را می‌توان از مصادیق شهادت دانست که در فصل بعدی این مقاله مفصل بحث خواهد شد.

علاوه بر این روایات اسلامی برخی از افرادی را که در حادثه‌ای مانند بیماری‌های خاص، غرق شدن‌ها و... از دنیا می‌روند، شهید نامیده است. این شهدا، احکام خاص شهدای جنگ را ندارند و همانند افراد عادی باید غسل، حنوط و کفن داده شوند و فقط خدا پاداش شهادت را به آن‌ها می‌دهد (حلی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۰؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲۱؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۵۱۳). از همین روی بیشتر از این توضیح داده نشد.

۴. میدان در جنگ‌های نامتقارن، شبهات و پاسخ‌ها

جنگ نامتقارن جنگی است که از میدان‌های رودرو و به دیگر سخن جنگ زمینی و تن‌به‌تن فراتر رفته و دامنه آن به همه شهرها گسترش می‌یابد و توسط دولت‌ها یا عوامل

غیردولتی در راستای خنثی‌سازی یا غلبه بر نقاط قوت دشمن و بهره‌برداری از وجوه اختلاف و عدم تقارن از جمله آموزش امکانات و تجهیزات و سازماندهی رزمندگان به منظور استفاده از نقاط ضعف آشکار و پنهان دشمن صورت می‌گیرد (السن، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰؛ حبیبی، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

ساحت‌های میدان معرکه امروزه با زمان قدیم تفاوت‌های زیادی دارد. در آن روز میدان جنگ در محدوده خاصی بود که رزمندگان رو در روی دشمنان قرار داشتند و محدوده‌ای به‌عنوان خط مقدم و پشت جبهه تعریف می‌شد. امروزه با جنگ‌افزارهای به‌روز مانند: هواپیما، موشک، پهپاد و جنگ سایبری، باید میدان جنگ بازتعریف نویی داشته باشد، تا خط مقدم جنگ‌ها با پشت جبهه‌ها مشخص شود و شهادتی که در خط مقدم به شهادت رسیده‌اند، بدون غسل و کفن و با همان لباس خونین‌شان دفن شوند.

امروزه میدان فیزیکی نظامی یعنی جبهه، خاکریز، نبرد مستقیم، فقط در جنگ‌های زمینی نمود پیدا می‌کند؛ درحالی‌که میدان زیرساختی مانند پادگان‌ها، مراکز امنیتی، نیروگاه‌ها، بیمارستان‌ها، ایستگاه‌های پمپاژ آب، استودیوهای رسانه‌ای و سایبری مانند دفاع از داده‌های ملی و نیز میدان‌های شهری مانند خانه‌ها، کوچه‌ها، مدارس در مناطق بمباران شده، هرکدام به‌نوبه خود مصداقی از میدان جنگ هستند و کشته‌شدگان در این میدان‌ها نیز باید احکام شهدا را داشته باشند.

با تغییر جنگ متقارن به نامتقارن، میدان جنگ نیز به میدان اقتصادی، زیرساختی، سایبری، رسانه‌ای و شهری تغییر پیدا می‌کند. وقتی میدان جنگ تغییر یافت، احکام جنگ از جمله شهید معرکه بودن کشته‌شدگان در این میدان‌های جدید جنگی نیز مصداق پیدا خواهد کرد. دراین‌باره شبهاتی نیز مطرح شده است که پاسخ داده خواهد شد.

۱/۴. اختصاص شهادت به رزمندگان میدان جنگ

برخی براساس برداشت ظاهری از آیات جهاد مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید با کافران که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید» (توبه، ۱۲۳) می‌گویند تنها کسی شهید محسوب می‌شود که با سلاح در دست و در میدان رویاروی، مستقیم با دشمن کشته شود و کشته‌شدگان بیرون از منطقه جنگی مشمول عنوان شهادت نیستند.



پاسخ این است که در هر عصری میدان معرکه معنای خاص خود را دارد. میدان معرکه میدانی است که دو لشکر به همدیگر تیراندازی می‌کنند؛ در یک زمان برد مسافتی تیرها چند ده متر بیشتر نبود و میدان معرکه هم در همان مساحت بود. امروز برد تیرها چند صد کیلومتر شده و می‌توان میدان معرکه را هم در چند صد کیلومتر بازتعریف کرد. به دیگر سخن، شبهه‌کنندگان در معنای معرکه توجه نکرده‌اند و پنداشته‌اند که میدان جنگ باید رودررو باشد و نیروهای مسلح همدیگر را ببینند، درحالی‌که میدان معرکه با برد مسافتی ابزارهای جنگی هر زمان بازتعریف می‌شود و لزومی ندارد نیروها همدیگر را ببینند، بلکه رسیدن تیرشان به همدیگر کافی است. اگر ابزار جنگی فقط شمشیر و نیزه باشد، میدان معرکه در محدوده کوچک خواهد شد، اگر تیر دستی باشد، مقداری وسعت پیدا می‌کند، اگر اسلحه کوتاه‌برد باشد، باز میدان وسیع‌تر خواهد شد و اگر موشک و هواپیما باشد، میدان معرکه هزاران کیلومتر خواهد شد. از همین روی فقها فتوا داده‌اند که اگر اهل عدلی توسط اهل ظلم کشته شود، بدون غسل و کفن دفن می‌شود و دلیل این فتوا را این دانسته‌اند که چنین فردی شهید است و وقتی کسی را شهید دانسته‌ایم، مثل این است که در میدان معرکه کشته شده باشد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷۱۴). با این نگاه معنای میدان جنگ گستره پیدا می‌کند و شامل هر درگیری حق و باطل می‌شود؛ مرحوم شیخ طوسی فتوا داده حتی اگر قاتل رزمندگان اسلام قابل مشاهده هم نباشد، باز کشته شده، شهید است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۸۱). این یعنی دیده نشدن قاتل را می‌توان به درگیری‌های امروزی سرایت داد که صدها کیلومتر دورتر و با شلیک موشک یا هدایت پهپاد، به رزمندگان اسلام حمله‌ور شده و آن‌ها را می‌کشد و این گستره معنایی، میدان جنگ را از میدان‌های صدر اسلام به میدان‌های امروزی می‌رساند.

نتیجه این‌که نظامیانی که امروزه در پادگان‌های مختلف هستند، اگر توسط دشمن مورد حمله قرار گیرند، با توجه به گستره معنایی میدان معرکه، شهید در میدان جنگ شمرده شده و احکام خاص شهید را خواهند داشت.

۲/۴. کشته‌شدن غیرنظامیان نوعی مرگ تصادفی

یکی دیگر از شبهات این است که شهادت مخصوص نظامیان است و کارمندی که پشت میز

خود نشسته یا کارگری که در کارخانه مشغول کار است، مهندسی که پشت میز طراحی و مدیریت قرار گرفته، قصد جنگ ندارد. مرگ او در اثر بمباران، حادثه‌ای تصادفی است نه «شهادت در راه خدا». کشته شده در اثر تصادف را نمی‌توان شهید نامید و نباید احکام شهدا بر او جاری شود.

۱,۲,۴. گستره معنایی شهدا در روایات به غیرنظامیان: پاسخ این است که روایات اسلامی، کشته‌شدگان در راه دفاع از مال، جان و ناموس خود و دیگران را شهید دانسته است و با استناد به این روایات می‌توان گفت افراد کشته شده در پادگان‌ها، مؤسسات و شرکت‌ها را می‌توان مصداق شهدا دانست؛ هرچند غیرنظامی باشند یا نظامیان در مقابل و رودررو با دشمنان نباشند؛ چرا که این افراد به قصد دفاع از مال و جان دیگران در محل کار خود می‌مانند. پزشکی که برای دفاع از جان مردم در بیمارستان می‌ماند با این‌که یقین دارد خطر در کمین اوست. همچنین ماندن در شرکت‌ها، با نیت حفظ رفاه خود و دیگران است. با ماندن، هم محل تأمین زندگی خود را حفظ می‌کند و هم در رفاه دیگران تلاش می‌کند و صد البته باید ماندن‌شان با نیت الهی باشد تا پاداش شهید را داشته باشد.

۱. امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا نقل فرمود: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ؛ هرکس در راه جان و مال خود کشته شود، شهید است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۶۷).

۲. ابامریم از امام باقر (علیه السلام) نقل فرمود از سخنان جدم رسول الله (صلی الله علیه و آله) است که: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ ثُمَّ قَالَ يَا اَبَا مَرْيَمَ هَلْ تَدْرِي مَا دُونَ مَظْلَمَتِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ الرَّجُلُ يُقْتَلُ دُونَ اَهْلِهِ وَدُونَ مَالِهِ وَاشْبَاهِ ذَلِكَ؛ هرکس در راه جان و مال خود کشته شود شهید است. سپس به من گفت می‌دانی که معنای آن چیست؟ گفتم قربانت بشوم؛ یعنی اگر کسی با ظالم درگیر شود تا شر او را از مال و ناموس و شبیه این‌ها دفع کند و در حین دفاع کشته شود، شهید است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۶۷).

در این روایت علاوه بر دفاع از ناموس و مال، کلمه «وَأَشْبَاهِ ذَلِكَ؛ شبیه این‌ها» آمده است و این می‌رساند دفاع لازم نیست فقط مال و عیال خود انسان باشد، بلکه هر دفاع مهمی را دربرمی‌گیرد و دفاع از یک کشور اسلامی که با تضعیف آن، دشمن حتی در دین



جامعه هم خلل ایجاد می‌کند، واجب الهی است و هرکس با این نیت دفاع کند و کشته شود، شهید محسوب خواهد شد.

۳. از رسول خدا ﷺ، امام جعفر صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ؛ هرکس در راه مال خود کشته شود، شهید است» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۸۰؛ ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۰۷؛ ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۲۴).

۴. امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل فرمود: «مَنْ قُتِلَ دُونَ عِيَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ؛ هرکس در راه عیالش کشته شود، شهید است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۵۷).

مجموعه این روایات بیانگر این است کسی که از مال، خانواده، دین یا جان خود دفاع کند و کشته می‌شود، شهید است. کارگری که در محل کار خود از زیرساخت حیاتی کشور دفاع می‌کند (مانند اپراتور نیروگاه) مصداق «دفاع از مال مسلمین» است. کسی که در جبهه مقدم با دشمن می‌جنگد، برای دین و حفظ وطن اسلامی است؛ وقتی کشته شدن در این جبهه شهادت است، با تغییر جبهه از میدان تن‌به‌تن به جنگ نامتقارن، معنای شهادت نیز گستره پیدا می‌کند و در هر جبهه‌ای که کشته شود، شهید محسوب می‌شود و احکام خاص شهدا را خواهد داشت؛ چرا که ماندن در مکانی که یقین به خطر دارد، هدفی جز نیت الهی و دفاع از کشور اسلامی نیست. علامه حلی بعد از اختصاص احکام شهادت به کشته شده در میدان جنگ، می‌نویسد برخی با استناد به روایت «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ» گفته‌اند افراد کشته شده در راه دفاع از مال و جان و ناموس، شهید هستند و نیازی به غسل و کفن ندارند (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۱)؛ از این روی می‌توان گفت چون در عصر- صدور روایات، به‌طور غالب جنگ‌ها رودرو بود و به‌خاطر نبود ابزارهای پیشرفته جنگی، امکان جنگ از دور وجود نداشت، روایات معرکه القتال به میدان جنگ رودرو تفسیر شده است، اما با روایات دیگری که کشته شدن در دفاع از جان و مال و ناموس و کشور را شهید دانسته، می‌توان گفت امروزه میدان جنگ گستره پیدا کرده و شامل همه میدان‌ها می‌شود و هر مدافع کشته شده، حکم شهید را خواهد داشت؛ چنانچه شیخ طوسی در مسئله ۵۲۵ کتاب خلاف و دیگران می‌نویسند: «اگر مردی از اهل ظلم، یکی از اهل عدل را بکشد، غسل داده نمی‌شود؛ دلیل ما این است که اجماع وجود دارد، چنین فردی شهید است و وقتی ثابت

شد شهید است، حکمش حکم شهید در میدان جنگ را خواهد داشت (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۱۷؛ طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۴۸). در حقیقت میدان جنگ گستره پیدا می‌کند و شامل همه میدان‌هایی می‌شود که فردی برای رضای خدا توسط دشمن کشته شود. برخی علما بر این باورند که روایات شهید معرکه غالب است (چون غالباً افراد در میدان شهید می‌شدند، روایات معركة القتال آورده است وگرنه هرجا شهید شوند، احکام شهید جاری است و بدون غسل و کفن دفن خواهند شد) (همدانی، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۱۸). آنچه اتفاقی است این است که شهید غسل و کفن ندارد، اما این‌که حتماً باید در میدان جنگ رودررو شهید شود، اتفاقی نیست و شهید شامل دیگر میدان‌ها هم می‌شود (آملی، ۱۳۸۵ق، ج ۶، ص ۸). محمدجواد مغنیه، شهید را کسی می‌داند که به سبب جنگ با کفار بمیرد (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۵). جنگ با کفار گاهی رودرروست، گاهی با موشک‌باران کردن مناطق دوردست است و گاهی در حفظ زیرساخت‌های حیاتی یک کشور از دستبرد دشمنان می‌باشد.

۲،۲،۴. گستره معنایی میدان جنگ از نظامی به زیرساخت‌ها: در جنگ و دفاع فقط نیروهای مسلح نیستند که از کشور دفاع می‌کنند؛ وقتی مفهوم میدان جنگ گستره پیدا کرد، می‌توان هرکسی را با هر لباسی که از دین خدا و وطن اسلامی دفاع می‌کند، نیروی مسلح دانست و دفاع از زیرساخت‌ها، مقدمه‌ای برای دفاع از موجودیت یک کشور و ایستادگی در مقابل دشمن مسلح است. دفاع از زیرساخت‌ها مقدمه است برای پیروزی در دفاع مسلحانه و طبق قاعده «ما لا یتیم الواجب الا به فهو واجب؛ هر مقدمه‌ای که انجام واجب بدون آن ممکن نباشد، خود واجب می‌شود» (حلی، ۱۹۸۲م، ص ۳۸۲؛ ابوالصلاح حلبی، بی‌تا، ص ۳۹؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۳۱)، دفاع از زیرساخت‌ها هم واجب می‌شود و از آنجا که حفظ امنیت ملی، اقتصادی و زیرساختی بدون وجود کارمندان، مهندسان و کارگران امکان‌پذیر نیست، خدمت و ماندن‌شان در محل کار به خصوص در موقع جنگ، واجب الهی است. دفاع‌کنندگان از این مراکز نیز همانند نیروهای مسلح هستند که در میدان جنگ می‌باشند و اگر میدان را ترک کنند، جامعه دچار اختلال خواهد شد؛ بنابراین کشته شدن در این راه، کشته شدن در راه الهی است و شهادت محسوب می‌شود.



آنچه اهمیت دارد، نیت ماندن و مراقبت از این مؤسسات است که وقتی برای رضای خدا و اعتلای جامعه اسلامی باشد، ماندن در محل کار و مراقبت از مورد نیازهای اجتماعی، وظیفه‌ای الهی خواهد شد و کشته شدن به‌خاطر انجام وظیفه الهی، همان به شهادت رسیدن است، حتی اگر با لباس نظامی نباشد. اگر حفظ شبکه برق، آب، بیمارستان‌ها و ارتباطات در جنگ نامتقارن واجب کفایی باشد (چون ترک آن باعث کشته شدن صدها غیرنظامی دیگر می‌شود)، ماندن کارکنان برای انجام این واجب، مصداق «جهاد فی سبیل الله» و مرگ در این مسیر، شهادت است؛ ملاک «نیت و مسیر الهی» است و برای همین گفته شده اگر کسی در میدان جنگی کشته شده باشد که آن جنگ عمل به دستور الهی نبوده است، باید او را همانند افراد عادی غسل دهند (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۰۱)، اما اگر در راه اطاعت خدا کشته شود، بدون غسل و کفن دفن می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۰۰). این یعنی آنچه مهم است حضور در میدان خاص نیست، بلکه حق بودن و خدایی بودن حضور است؛ چه در میدان جنگ رودررو باشد، چه در میدان حفظ زیرساخت‌های کشور. قرآن دستور به جهاد و جنگ در راه خدا داده است (بقره، ۱۹۰ و ۲۴۴؛ نساء، ۷۶-۷۴) و در راه خدا بودن گاهی در میدان جنگ رودرروست و گاهی در میدان‌های دیگر و هرکسی که با نیت الهی کشته شود، شهید است.

۳،۲،۴. شهید بودن کودکان، دلیل برگزیده معنایی شهید از رزمنده به همه کشته‌شدگان: شهید اول و دیگران فتوا داده‌اند که اگر کودکی در میدان جنگ کشته شود، شهید است و غسل و کفن ندارد (عاملی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰؛ یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۹)؛ با توجه به این که کودک را نمی‌توان نیروی مسلح و نظامی دانست، این نگرش ثابت می‌کند که شهید فقط نیروهای نظامی نیستند. فراتر از این فتوای فقها بر شهید بودن کسی است که به خطا در میدان جنگ کشته شود (گلپایگانی، ۱۴۲۷ق، ج ۸، ص ۲۶۵). این یعنی حتی اگر دشمن کسی را به قصد دشمنی هم نکشد و بلکه تیری را انداخته و غیرنظامی کشته شده، این فرد هم شهید است.

۳/۴. قصد دفاع نداشتن کشته‌های داخل خانه

شبهه دیگر این است، خانواده‌ای که در منزل خود زیر بمباران هوایی کشته می‌شوند، قصد

دفاع از کشور را نداشته‌اند و فقط در خانه نشسته بودند و چه‌بسا ماندنش در خانه گناه بود و نباید می‌ماندند؛ صرف این‌که دشمن ظلم کرده و او را به ناحق کشته، باعث نمی‌شود آن‌ها شهید نامیده شوند و احکام شهادت برای‌شان جاری گردد. شهادت نیاز به «فعل اختیاری» از سوی شخص دارد.

پاسخ این است که باید میان «ماندن اختیاری» و «ماندن اضطراری» تفکیک قائل شد؛ در جنگ نامتقارن، گاهی مردم ناچار به ماندن در منازل خود هستند؛ زیرا راه‌های خروج بسته شده است؛ جابه‌جایی خطرناک‌تر از ماندن است؛ قصد دشمن این است که مردم از کشور خود بروند تا تصرف آن آسان‌تر شود؛ علاوه بر این، دشمن مکان‌های جابه‌جا شده را هم بمباران می‌کند، پس چه در خانه بماند و چه آواره شود، کشته خواهد شد. در این صورت هرچند ماندن «اضطراری» است، اما این ماندن گناه و ناروا نیست: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ؛ آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست» (بقره، ۱۷۳). وقتی ماندن گناه نباشد، بدان معناست که فرد با اختیار و نیت در خانه خود می‌ماند و به دشمن اعلام می‌دارد که واهمه‌ای از حمله او ندارد و تسلیم نخواهد شد. این همان فعل اختیاری و نیت الهی است؛ پس چنین فردی با اختیار و قصد مقابله با دشمن در خانه خود مانده است و اگر کشته شود، شهید به حساب می‌آید. روایات اسلامی نیز، کسی را که در خانه خود و برای دفاع از خانه و کاشانه و اهلش کشته شود، شهید دانسته است. ابامریم گوید امام باقر علیه السلام فرمود از سخنان جدم رسول‌الله صلی الله علیه و آله است که: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا مَرْيَمَ هَلْ تَدْرِي مَا دُونَ مَظْلَمَتِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ الرَّجُلُ يُقْتَلُ دُونَ أَهْلِهِ وَدُونَ مَالِهِ وَأَشْبَاهَ ذَلِكَ؛ هرکس در راه جان و مال خود کشته شود شهید است. سپس به من گفت می‌دانی که معنای آن چیست؟ گفتم: قربانت بشوم؛ یعنی اگر کسی با ظلم درگیر شود تا شر او را از جان و مال و ناموس خود دفع کند و در حین دفاع کشته شود، شهید است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۶۷)؛ یعنی حتی اگر در منزل خود و بدون قصد خروج برای جنگ کشته شود، اما در مسیر دفاع از خانواده باشد، شهید است. پس ماندن در خانه برای محافظت از زنان و کودکان در شرایط جنگی، مصداق «قتل دون اهل» است و شهید محسوب می‌شود.



قرآن کریم کار و انتخاب‌هایی را که بر اثر اضطرار باشد، گناه ندانسته است (بقره، ۱۷۳؛ مائده، ۳؛ انعام، ۱۴۵؛ نحل، ۱۱۵). این آیات به قاعده اضطرار (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۴۲) معروف شده و در قاعده اضطرار، اختیار از بین نرفته است؛ یعنی فرد می‌تواند انتخاب کند که کدام کار را انجام دهد، تصمیم می‌گیرد و یکی را انتخاب می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۰). طبق قاعده اضطرار، فردی که در خانه می‌ماند با این که می‌داند دشمن ممکن است خانه را بمباران کند، با اختیار خود مانده است؛ یعنی می‌تواند تسلیم دشمن شود، خانه را ترک کند و آواره شود و می‌تواند در خانه بماند و کشته شود، اما در مقابل دشمن کوتاه نیاید و با این نگاه کسی که در خانه می‌ماند و توسط دشمن کشته می‌شود، هم اختیار دارد و هم نیت جنگ با دشمن را دارد و ماندنش هم به نیت الهی و برای دفاع از کشور اسلامی است؛ اگر کشته شد، شهید می‌شود و شبهه اختیار نداشتن وارد نیست.

۴/۴. از بین رفتن معنای معرکه در جنگ جدید

«معرکه» به معنای «جایگاه جنگ و رویارویی» است. وقتی دشمن از راه دور با موشک و پهپاد حمله می‌کند و جبهه مشخصی وجود ندارد، مفهوم معرکه منتفی می‌شود و وقتی مفهوم معرکه از بین رفت، دیگر نمی‌توان کشته‌شدگان را شهید دانست. این شبهه تفاوتی با شبهه اول دارد، در شبهه اول بحث سر این بود که ما یک میدان جنگ داریم و کشته شده در آن حکم شهید را دارد و یک پشت جبهه داریم و کشته شده در آن احکام شهید را ندارد، هرچند پاداش شهید را می‌برد، اما در این شبهه می‌گویید ما اصلاً میدان جنگی نداریم تا کسی را شهید بدانیم.

۱،۴،۴. گستره میدان جنگ از یک محدوده کوچک به کل کشور: در پاسخ شبهه اول گفته شد که امروزه با پیشرفت ابزارهای جنگی، دامنه میدان جنگ نیز گسترش یافته است و اگر در روایات، معرکه قتال آمده است بدان معناست که در آن عصر امکان زدن مناطق دوردست با موشک و بمب وجود نداشت، حمله سایبری معنا نداشت و میدان جنگ فقط محدود به چند صد متر و آن هم رودرو بود که با شمشیر، نیزه و تیر با همدیگر می‌جنگیدند. امروزه هواپیما، پهپاد، موشک، سایبری و رسانه‌های سمعی و بصری و مجازی

همه جزئی از ابزارهای جنگی شده‌اند و با هرکدام می‌توان کشوری را تصرف کرد. این ابزارها هرجا استفاده شود، آن مکان یکی از میدان‌های جنگ محسوب خواهد شد.

۲,۴,۴. توسعه معنایی «معرکه» به «میدان ابتلا و آزمون»: هرچند واژه «معرکه» در قرآن نیامده، اما مفهوم «میدان» به صورت «ابتلا» آمده است: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ؛ آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید و او شکست‌ناپذیر و بخشنده است» (ملک، ۲) هرچایی که انسان در راه خدا مورد آزمون قرار گیرد، میدان معرکه است.

امروز پادگان‌ها، بیمارستان‌ها، پالایشگاه‌ها، استودیوهای رسانه‌ای و شبکه‌های مخابراتی و... میدان‌های آزمون مومنان جهادگر هستند و جهاد نیز فقط در میدان تن‌به‌تن نیست، حتی فراتر از آن، جهاد با مال مورد تأکید قرآن قرار گرفته است (نساء، ۹۵؛ انفال، ۷۲؛ توبه، ۲۰؛ حجرات، ۱۵) هرکس برای دفاع از دین و رضای الهی در این میدان‌ها توسط دشمنان دین کشته شود، شهید است چرا که در میدان جنگ کشته شده است.

معرکه در عصر حاضر به هر ساحتی اطلاق می‌شود که بقای نظام اسلامی و جان مسلمانان در گرو عملکرد صحیح در آن باشد و دشمن آن را هدف قرار داده باشد. ازاین‌رو، «معرکه» از مکان به وظیفه و حیاتی بودن تغییر مفهوم داده است.

۵/۴. خودکشی بودن ماندن در محل کار

شبهه دیگر این است که خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا؛ و خودتان را نکشید! خداوند نسبت به شما مهربان است» (نساء، ۲۹). قرار گرفتن عمدی در معرض خطر مرگ، مصداق خودکشی و حرام است؛ بنابراین کارمندی که با علم به بمباران در محل کار می‌ماند، نه تنها شهید نیستند، بلکه مرتکب گناه نیز شده‌اند.

۱,۵,۴. شهید بودن کشته‌شدگان در دفاع از مال: در پاسخ به این‌گونه شبهات می‌توان گفت روایاتی که کشته‌شدگان در راه مال، جان و ناموس را شهادت دانسته (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲)، ماندن افرادی را برای حفاظت از زیرساخت‌های کشور واجب شرعی دانسته است وگرنه معنا نداشت بگوید از مالت دفاع کن و اگر کشته شدی، شهید محسوب خواهی شد؛ بنابراین اگر انسان با انگیزه شخصی و بدون دستور شرعی در محل کار خود بماند، مورد



مذمت قرار می‌گیرد که چرا با وجود خطر در محل کار خود ماندی، اما اگر در دستور شرعی ماندن در محل کار واجب شود، آنگاه ترک محل کار گناه و ماندن اطاعت است، نه خودکشی و کسی که در راه اطاعت خدا و توسط دشمن خدا کشته شود، به یقین از شهادت است.

۲,۵,۴. **قاعده الاضطرار یرفع الحرمة:** اگر کسی بگوید ماندن در محل کار در صورت احساس خطر جایز نیست، در پاسخ می‌توان گفت که در حال اضطرار این کار نه تنها درست و جایز می‌باشد، بلکه گاهی واجب است، حتی اگر منجر به کشته شدن شود. در فقه اسلامی به این قاعده «الاضطرار یرفع الحرمة: اضطرار حرمت را برمی‌دارد» گویند (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۳). این قاعده برگرفته از روایاتی است که می‌گوید در حالت اضطرار کارهای حرام، حلال می‌شود (اشعری قمی، ۱۴۰۸ق، ص ۷۵؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۹۵).

طبق این قاعده، ماندن در مکان خطر در صورت اختیار و عالت عادی، درست نیست، اما اگر ترک محل کار منجر به کشته شدن هزاران غیرنظامی، به هم ریختن آسایش و رفاه اجتماعی و... شود، نه تنها ماندن در محل کار خودکشی نخواهد شد، بلکه ترک کار حرام و ماندن واجب است. پزشکی که در زمان همه‌گیری در بیمارستان می‌ماند، خودکشی نمی‌کند، بلکه انجام واجب کفایی می‌کند. حالت اضطرار یعنی حالت جنگی بودن کشور، نیاز دیگران به حضور کارمندان در محل کار و تأمین نیازهای جامعه، حرمت ماندن در محل خطر را از بین برده و گاهی ماندن را واجب می‌کند.

۳,۵,۴. **تفاوت میان «خودکشی» و «ایثار»:** خودکشی یعنی پایان دادن به زندگی بدون هدف الهی، اما ایثار یعنی بخشیدن جان در راه هدفی بالاتر. خداوند می‌فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ أَنْ هَا رَ بِرِ خُودِ مَقْدَمِ مِی‌دارند هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند» (حشر، ۹). ایثارگران نه تنها گناهکار نیستند، بلکه محبوب خداوندند. کسانی که با وجود خطر، برای حفظ جامعه اسلامی و تأمین نیازهای ضروری، محل کار خود را ترک نمی‌کنند تا جامعه دچار اختلال نشود، در راه خدا و کمک به جامعه، ایثارگری می‌کنند و ایثارگری نه تنها خودکشی نیست، بلکه هنر مردان خدایی است.

نتیجه این که ماندن کارمندان در محل کار در زمان بمباران، در صورتی که به دستور

دولت مشروع باشد، حفظ زیرساخت‌های حیاتی واجب کفایی باشد، امکان جایگزینی نباشد، مصداق «ایثار» است نه «خودکشی» و مرگ در این مسیر شهادت محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

تحول بنیادین در ماهیت جنگ‌ها از تقارن نظامی به نامتقارن، همراه با ظهور فناوری‌های نوین جنگی همچون بمباران هوایی، موشک‌های دوربرد، جنگ سایبری و پهپادها، مرز سنتی میان «میدان نبرد» و «پشت جبهه» را برهم زده است. «میدان معرکه» در فقه اسلامی، ماهیتی سیال و وابسته به شرایط و ابزارهای جنگی هر عصر دارد. آنچه در صدر اسلام محدود به چند صد متر رویارویی تن‌به‌تن بود، امروزه با توجه به برد هزاران کیلومتری تجهیزات نظامی، می‌تواند تمام سرزمین یک کشور را دربرگیرد و کشته‌شدگان در تمام نقاط کشور شهید محسوب می‌شوند.

براساس عموم قرآنی چون «يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و اطلاق روایاتی نظیر «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» و نیز قاعده فقهی «ما لا یتم الواجب إلا به فهو الواجب»، دفاع از زیرساخت‌های حیاتی (نیروگاه‌ها، بیمارستان‌ها، شبکه‌های آب و ارتباطات) در شرایط جنگ نامتقارن، خود مصداق جهاد فی سبیل الله محسوب می‌شود. کارگران، مهندسان، کارمندان و پزشکانی که با نیت قربت و برای حفظ نظام اسلامی و جان مسلمانان در محل کار خود می‌مانند، با استناد به قاعده اضطرار و تفکیک میان «ماندن اختیاری» و «ماندن اضطراری»، عملشان مصداق ایثار و اطاعت الهی است و در صورت کشته شدن، همه احکام شهید معرکه (دفن بدون غسل و کفن با همان لباس خونین) را خواهند داشت.

خانواده‌هایی که در منازل خود زیر بمباران می‌مانند، در صورتی که امکان خروج نداشته باشند یا خروج خطرناک‌تر از ماندن باشد و ماندنشان با نیت مقاومت و دفاع از کیان خانواده و کشور باشد، مشمول روایت «مَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ» شده و چون در شرایط اضطرار جنگی، همه کشور به‌مثابه میدان معرکه تلقی می‌گردد، احکام خاص شهید را خواهد داشت.

بازتعریف شهادت در جنگ‌های نامتقارن، مستلزم تحول در نگاه فقهی از «مکان‌محوری» به «وظیفه‌محوری» و «هدف‌محوری» است. هر جا که بقای نظام اسلامی و



جان مسلمانان در گرو عملکرد صحیح افراد باشد و دشمن آن ساحت را هدف قرار دهد، آن مکان میدان معرکه و کشته‌شدگان در راه دفاع از آن، شهید محسوب می‌شوند. این رویکرد نه تنها با عموم قرآن و اطلاق روایات سازگار است، بلکه پاسخی متناسب با مقتضیات زمانه به پرسش‌های نوپدید فقهی درباره شهادت در جنگی می‌دهد که دیگر میدان و پشت میدانی در کار نیست.

پیشنهادهای

۱. تدوین منشور فقهی شهادت در ساحت‌های نوین: به مراکز فقهی پیشنهاد می‌شود با توجه به فراگیر شدن جنگ‌های نامتقارن، یک «منشور فقهی شهادت در ساحت‌های نوین» تدوین کنند تا هم مردم و هم قوای نظامی و غیرنظامی تکلیف خود را در این وضعیت بدانند. بدون این بازتعریف، بسیاری از مدافعان جان و مال و ناموس و سرزمین که جان خود را در راه خدا نثار کرده‌اند، از برخی آثار شهادت محروم خواهند ماند.
۲. بسط مصادیق جدید شهادت: در کنار کارگران زیرساخت و خانواده‌های در منازل، مصادیق دیگری از جنگ‌های نامتقارن نیز بررسی فقهی شود مانند شهدای سایبری که در برابر حملات سایبری کشته می‌شوند؛ شهدای رسانه‌ای شامل خبرنگاران، فعالان فضای مجازی و تولیدکنندگان محتوا که در جنگ روایت‌ها (جنگ نرم) هدف ترور قرار می‌گیرند؛ کشته‌شدگان بر اثر بمباران اقتصادی، افرادی که در اثر محرومیت از دارو و غذا در اثر تحریم‌های فلج‌کننده و بدون حمله مستقیم نظامی، جان می‌دهند.
۳. بررسی تطبیقی با فقه مذاهب اربعه اهل سنت: این پژوهش بر مبنای فقه امامیه انجام شده است؛ دیدگاه فقیهان حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی درباره «شهادت غیرنظامیان در جنگ نامتقارن» جست‌وجو کرده و نقاط اشتراک و افتراق استخراج شود.

منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور، السرائر، چ ۲، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، چ ۱، تهران: مكتبة النینوی الحديثة، بی تا.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، چ ۱، قم: جامعه مدرسين، ۱۳۶۲.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا، چ ۱، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۶. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، تصحیح آصف فیضی، قم: مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، ۱۳۸۵ ق.
۷. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، چ ۱، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸ م.
۸. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی، غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع، چ ۱، قم: مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۷ ق.
۹. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقایس اللغة، چ ۱، قم: مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادي، اصفهان: مكتبة الإمام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامة، بی تا.
۱۱. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، چ ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۲. اشعری قمی، احمد بن محمد، النوادر، چ ۱، قم: مدرسة الإمام المهدي، ۱۴۰۸ ق.
۱۳. انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب الطهارة، چ ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. السن، جان اندریس، «جنگ نامتقارن»، ترجمه گروهی از مترجمین، تهران: ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.





۱۵. آملی، محمدتقی، مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی، تهران: چاپخانه محمدعلی فردین، ۱۳۸۵ق.

۱۶. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.

۱۷. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، چ ۲، قم: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.

۱۸. جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، چ ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۲۶ق.

۱۹. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن (معاد در قرآن)، چ ۱، قم: مرکز نشر- اسراء، ۱۳۸۰.

۲۰. حبیبی، نیک بخش، مفهوم شناسی نبرد نامتقارن، تهران: انتشارات دانشگاه هوایی، ۱۳۸۶.

۲۱. حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.

۲۲. حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، چ ۱، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.

۲۳. حلی، حسن بن یوسف، نهج الحق و كشف الصدق، چ ۱، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۸۲م.

۲۴. خمینی، روح الله موسوی، استفتائات، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ق.

۲۵. خمینی، روح الله موسوی، تحریر الوسیلة، مترجم علی اسلامی، چ ۲۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۵ق.

۲۶. خوانساری، محمد بن آقا حسین، التعليقات علی الروضة البهیة، چ ۱، قم: منشورات المدرسة الرضویة، بی تا.

۲۷. خویی، ابوالقاسم، التنقیح، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، بی تا.

٢٨. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم غلامرضا خسروی حسینی، چ ٢، تهران: مرتضوی، ١٣٧٤.
٢٩. سبزواری، هادی بن مهدی، اسرارالحکم فی المفتاح و المختتم، چ ١، قم: انتشارات مطبوعات دینی، ١٤٢٥ ق.
٣٠. سعدی ابوجیب، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، چ ٢، دمشق - سوریه: دارالفکر، ١٤٠٨ ق.
٣١. سیستانی، علی، قاعدة لا ضرر و لا ضرار، چ ١، قم: دفتر آية الله سیستانی، ١٤١٤ ق.
٣٢. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٣ ق.
٣٣. شهید ثانی، زین الدین بن علی، منية المرید، چ ١، قم: مکتب الإعلام الإسلامي، ١٤٠٩ ق.
٣٤. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، چ ١، بیروت: عالم الکتب، ١٤١٤ ق.
٣٥. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ٢، بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٣٩٠ ق.
٣٦. طبرسی، فضل بن الحسن، المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف، چ ١، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٠ ق.
٣٧. طریحی، فخرالدین بن محمد، چ ٣، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، ١٣٧٥.
٣٨. طوسی، محمد بن الحسن، الخلاف، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٧ ق.
٣٩. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، چ ٤، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٤٠٧ ق.
٤٠. طوسی، محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، چ ٣، تهران: المکتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ١٣٨٧ ق.
٤١. گلپایگانی، علی صافی، ذخيرة العقبی فی شرح العروة الوثقی، چ ١، ج ٨، قم: گنج عرفان، ١٤٢٧ ق.



۴۲. عاملی، محمدبن مکی، **البيان**، چ ۱، قم: محقق، ۱۴۱۲ق.
۴۳. عاملی، یاسین عیسی، **الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية**، چ ۱، بیروت: دار البلاغة للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۳ق.
۴۴. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن، **معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية**، قاهره، دارالفضيلة، بی تا.
۴۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العين**، چ ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۴۶. قرشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، چ ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۴۷. قمی، عباس، **سفينة البحار**، چ ۱، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
۴۸. کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا، **النور الساطع فی الفقه النافع**، نجف: مطبعة الآداب، ۱۳۸۱ق.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافي**، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵۰. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، **شرح الکافي - الأصول و الروضة**، چ ۱، تهران: المكتبة الاسلامیه، ۱۳۸۲ق.
۵۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، چ ۱، **ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار**، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
۵۲. مجلسی، محمد تقی، **لوامع صاحبقرانی**، چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
۵۳. مدنی، علی خان بن احمد، **الطراز الأول والکناز لما علیه من لغة العرب المعول**، چ ۱، مشهد: مؤسسة آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث، ۱۳۸۴.
۵۴. مروج، حسین، **اصطلاحات فقهی: شامل ۶۵۰۰ واژه و اصطلاح فقهی از طهارت تا دیات**، چ ۱، قم: بخشایش، ۱۳۷۹.
۵۵. مطهری، مرتضی، چ ۱۰، **قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید**، ۱۳۶۸.
۵۶. مغنیه، محمد جواد، **کتاب الفقه علی مذاهب الخمسة**، چ ۵، قم: مؤسسة الصادق للطباعة و النشر، ۱۳۸۵.

۵۷. مکارم شیرازی، تفسیر فونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، چ ۱، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۴ ق.
۵۹. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چ ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۶۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۵ ق.
۶۱. همدانی، رضا بن محمد، مصباح الفقیه، چ ۱، قم: مؤسسه مهدی الموعود، ۱۴۲۱ ق.
۶۲. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، چ ۲، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵ م.
۶۳. یزدی، محمد کاظم طباطبائی، العروة الوثقی (المحشی)، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.

